روش

محمدبن عبدالوهاب

بسم الله الرحمن الرحیم

روش محمد بن عبدالوهاب

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

روش محمد بن عبدالوهاب

مشخصات کتاب

روش محمد بن عبدالوهاب

ابن‌بشر می‌نویسد: «هنگامی که شیخ محمد، «درعیه» را محل اقامت خود قرار داد، اهل آن شهر در نهایت نادانی بودند، در انجام وظائف و تکالیف دینی کوتاهی می‌کردند شیخ در مرحله‌ی اول معنی کلمه‌ی «لا اله الا الله» را به آنان تفهیم کرد که هم نفی است و هم اثبات که جزو اول آن (لا اله) جمیع معبودها را نفی می‌کند و جزو دوم آن (الا الله) عبادت را برای خدای یگانه که شریک ندارد، اثبات می‌نماید. سپس آنها را به نشانه‌هائی که دلالت بر وجود خدا می‌کنند، از قبیل خورشید و ماه و ستارگان و شب و روز، دلالت نمود و همچنین از ارکان اسلام و شناختن پیامبر اسلام و نام و نسب و کیفیت بعثت و هجرت آن حضرت و این که نخستین دعوت پیامبر کلمه‌ی «لا اله الا الله» بود، و نیز موضوع بعثت و قیام را برای مردم بیان کرد و درباره‌ی منع استغاثه و توسل به مخلوق هر که باشد، بسیار مبالغه نمود» [۱] . باز ابن‌بشر می‌نویسد: «اما روش شیخ محمد در مورد غنائم جنگی، این بود که آن را هر طور مایل بود، به مصرف می‌رسانید و گاهی تمامی غنائمی را که در جنگ به دست آورده بود، و مقدار آن هم خیلی زیاد بود، تنها به دو یا سه نفر می‌داد، غنائم هر چه بود، در اختیار شیخ قرار [صفحه ۶۳] داشت و امیر نجد هم فقط با اجازه‌ی او می‌توانست سهمی ببرد. علاوه بر این، امیر نجد هر سپاهی را که تجهیز می‌کرد و هر صلاحدید و نظری را ابراز می‌داشت، با اجازه و دستور شیخ بود» [۲] . جمیل صدقی زهاوی علامه و شاعر بزرگ عراق در کتاب «الفجر الصادق» می‌نویسد: «محمد بن عبدالوهاب آن طوری که برخی از نویسندگان بزرگ نوشته‌اند، در ابتدای امر، حرص شدیدی به مطالعه‌ی اخبار مدعیان نبوت مانند: مسلیمه‌ی کذاب و سجاح و اسود عنسی و طلیحه‌ی اسدی و مانند آنها داشت وی به خیال دعوی پیامبری بود اما قدرت اظهار آن را نداشت. از یاران خود، آنان را که از مردم شهر خود او بودند، انصار و آنها که از خارج می‌آمدند، مهاجرین می‌نامید. به هر کس که دعوت او را می‌پذیرفت، اگر حج حجهْ‌الاسلام بجا آورده بود، دستور می‌داد دوباره بجا آورد، زیرا حج اولی را در زمانی بجا آورده‌اید که تو هنوز مشرک بوده و مسلمان نشده بودید، و کسی می‌خواست به آئین او داخل شود، می‌گفت: شهادت بده که تو و پدر و مادرت قبلا کافر بوده‌اید و نام جمعی از علمای بزرگ گذشته را می‌شمرد، می‌گفت: شهادت بده که همه‌ی آنها کافر بوده‌اند، اگر شهادت می‌داد، پذیرفته می‌شد و اگر شهادت نمی‌داد، به قتل او فرمان می‌داد. امت اسلام را از ششصد سال قبل (قبل از خود) همه را کافر می‌شمرد، با تقواترین مردم اگر از وی پیروی نمی‌کرد، او را کافر می‌دانست و خون و مالش مباح بود و فاسقترین مردم اگر از او پیروی می‌کرد، مؤمن به حساب می‌آمد. پیوسته در پائین آوردن مقام پیامبر کوشا بود، کلمات و عبارات زننده و زشت درباره‌ی آن حضرت استعمال می‌کرد و احیانا به بعضی از کارهای او ایراد می‌گرفت جرأت و جسارت پیروانش در این باره بیش از خود او بود. مثلا بعضی از پیروان او در حضورش می‌گفت: «ان عصای هذه خیر من محمد، لانی انتفع بها و محمد قد مات فلم یبق فیه نفع و هو یرضی بکلامه». «عصای من از پیامبر صلی الله علیه و اله بهتر است، زیرا از آن استفاده می‌کنم و محمد صلی الله علیه و اله از دنیا رفت و نفعی از او باقی نماند (نعوذ بالله). و او به این [صفحه ۶۴] سخن راضی بود در حالی که این سخن در مذاهب اربعه کفر است». دیگر این که از فرستادن صلوات بر پیامبر خوشش نمی‌آمد و در شبهای جمعه از ذکر صلوات بر پیامبر در مناره‌ها نهی می‌نمود و هرکس به آن حضرت صلوات می‌فرستاد به کیفر سخت می‌رسید. حتی یک مرد نابینای دینداری که مؤذن بود، به حرف او گوش نداده بود و بر پیامبر صلوات فرستاده بود، به قتل رساند و می‌گفت: اینها همه برای حفظ توحید است. بسیاری از کتابهای مربوط به صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و اله مانند کتاب «دلائل الخیرات» (تألیف محمد بن سلیمان جزولی) را سوزانید. همچنین

تعداد زیادی از کتب فقه و تفسیر و حدیث را که مخالف اباطیلش بود، به آتش کشید، به هر یک از پیروانش اجازه می‌داد قرآن را مطابق فهم خود تفسیر کند. محمد بن عبدالوهاب طبق اظهار خودش [۳] ، آدم تند و با حدتی بود و کارها را با خشونت و تندی پیش می‌برد و مردم همه از او در خوف و وحشت بودند. پسر عبدالوهاب در تکفیر مردم به آیاتی تمسک می کند که درباره‌ی مشرکین نازل شده است و آنها را حمل بر موحدین می‌نماید. بخاری در صحیح خود از عبدالله بن عمر در وصف خوارج روایت کرده است که آنها آیاتی را که درباره‌ی کفار نازل شده، درباره‌ی مؤمنین قرار می‌دهند و در روایت دیگر از ابن‌عمر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نقل شده است که فرمود: «اخوف ما اخاف علی امتی رجل متأول للقرآن یضعه فی غیر موضعه» «وحشتناک‌ترین چیزی که بر امتم می‌ترسم، مردی است که قرآن را تأویل می کند و آن را در غیر موضع خود قرار می‌دهد». جمیل صدقی زهاوی می گوید: «این دو روایت درباره‌ی پسر عبدالوهاب و پیروان او صادق است. از اقوال و افعال او معلوم می‌شود: ادعا می کند آنچه او آورده، دین جدید است و لذا از دین پیامبر صلی الله علیه و اله تنها ظاهر قرآن را قبول می کند تا این که مردم به حقیقت امر متوجه نشوند. به دلیل این که او و پیروانش قرآن را طبق آرای خود تفسیر می کنند نه آن طوری که پیامبر و اصحاب او سلف [صفحه ۶۵] صالح و ائمه‌ی تفسیر، تفسیر کرده‌اند...» [۴] . زهاوی سپس به رد عقائد وهابیها در انکار تمسک به عقل و قیاس و اجماع و تکفیر کسی که از مجتهدی تقلید کند، و تکفیر مسلمانان و نفی توسل و دیگر معتقدات ایشان پرداخته و جوابهای محکم و مستدلی داده است. زینی دحلان می گوید: «یکی از کارهای شیخ محمد این بود که هرکس از او متابعت می کرد، می‌بایست سرش را بتراشد که این کار را هیچ یک از طوائف خوارج و بدعتگزاران انجام نداده است. سید عبدالرحمن اهدل مفتی زبید می گفت که در رد وهابیها به تألیف کتاب احتیاج نیست و همین گفته‌ی پیغمبر صلی الله علیه و اله کفایت می کند که «سیماهم التحلیق» اتفاقا زنی که او را مجبور از متابعت کرده بودند، در برابر شیخ محمد اقامه‌ی حجت کرد که تو وقتی زنان را وادار به تراشیدن موی سرشان می کنی، باید مردها را هم مجبور به تراشیدن موی ریششان بکنی زیرا موی سر زن و ریش مرد، هر دو زینت است، شیخ جوابی نداشت که به آن زن بدهد [۵] . منعمی در هنگامی که محمد بن عبدالوهاب، جمعی را که سرشان را نتراشیده بودند، به قتل رسانید، قصیده‌ای در رد او انشا کرد که مطلع آن این است: افی حلق رأسی بالسکاکین و الحد++ حدیث صحیح بالأسانید عن جدی؟ [۶] . «آیا درباره‌ی تراشیدن سر من با کارد، حدیثی با سندهای صحیح از جدم پیامبر صلی الله علیه و اله وارد شده است؟». باز زینی دحلان مفتی مکه در کتاب «الدرر السنیهٔ» در ضمن رد سخنان محمد بن عبدالوهاب قسمتی از مباحثاتی که با او شده، نقل کرده است از جمله این که شیخ محمد در مسجد درعیه خطبه می‌خواند و در هر خطبه‌ای که می‌خواند، می گفت: هرکس به [صفحه ۶۶] پیامبر توسل کند، کافر است. برادرش شیخ سلیمان بن عبدالوهاب که اهل علم بود، سخنان او را به شدت انکار می کرد روزی شیخ سلیمان از شیخ محمد پرسید: «کم ارکان الاسلام یا محمد بن عبدالوهاب؟ فقال خمسهٔ. فقال: أنت جعلتها ستهٔ، السادس من لم یتبعک فلیس بمسلم هذا عندک رکن سادس للاسلام» [۷] «ای محمد بن عبدالوهاب ارکان اسلام چند تاست؟ گفت: پنج تاست. سلیمان گفت: تو آن را شش تا کرده‌ای، ششمی این است که هرکس از تو پیروی نکند، کافر است». چون اختلاف میان شیخ سلیمان و شیخ محمد شدید شد، شیخ سلیمان از ترس جان خود، به مدینه‌ی منوره نقل مکان کرد و رساله‌ای در رد او نوشت و برایش فرستاد، بسیاری از علمای حنبلی هم رساله‌هایی در رد او نوشتند و برای او فرستادند، اما هیچ یک از آنها برای او مؤثر واقع نشد [۸] . زینی دحلان می‌نویسد: «شخص دیگری روزی به او گفت: در شب ماه رمضان چند نفر از آتش آزاد می‌شوند؟ گفت: صد هزار نفر و در شب آخر، به تعداد همه‌ی کسانی که در تمام ماه آزاد شده‌اند. مرد گفت: شماره‌ی پیروان تو به عشر عشر این تعداد نمی‌رسد، و این مسلمانان که خداوند آنها را آزاد می کند، چه کسانی هستند؟ در حالی که تو مسلمانان را به خود و پیروانت منحصر کرده‌ای؟!» [۹] . همچنین مرد دیگری که رئیس قبیله‌ای بود و شیخ محمد قدرت آزار رساندن به او را نداشت، از او پرسید که درباره‌ی این که مردی راستگو و دیندار و امین که تو به راستگوئی او اعتراف داری به تو خبر دهد که در پشت فلان کوه گروه بسیاری گرد آمده و

قصـد جان تو را دارنـد، تو هزار سوار برای دفع آنها بفرستی، سواران بروند و از آن جمع اثری نباشد، آیا تو سـخن آن هزار سوار را باور می کنی یا آن یک راستگو را؟ پاسخ داد که سـخن آن هزار سوار را آن مرد گفت: همه‌ی مسـلمانان از علمای زنده و مرده در کتابهای خود، سـخنان تو را [صفحه ۶۷] تکذیب می کنند پس باید سـخن آنان را تصدیق کنیم [۱۰] . باز دیگری از او پرسـید: این دین که تو آورده‌ای، متصل است یا منفصل؟ گفت: مشایخ من و مشایخ دیگران از ششـصد سال قبل تا امروز، همه مشرک بوده‌اند، آن شخص اظهار داشت که در این صورت، دین تو منفصل است نه متصل. بنابراین آن را از چه کسی گرفته‌ای؟ گفت: به من وحی و الهام شده است مانند خضـر. آن مرد گفت: در این صورت این وحی و الهام نباید منحصـر به تو باشد و هرکس دیگر ممکن است چنین ادعائی بکند همین طوری که تو می کنی؟ [۱۱] . باز زینی دحلان ادامه می‌دهد: «از جمله کارهای زشت محمد بن عبدالوهاب این بود که چون مردم را از زیـارت قبر پیامبر صـلی الله علیه و اله منع کرد، عـده‌ای از مردم احسا عازم زیارت رسول خـدا صـلی الله علیه و اله شدند، شـیخ محمد از این امر باخبر شد و چون عبور آن مرد از درعیه (مقر محمد بن عبدالوهاب) بود و در آنجا جلو آنها را گفتنـد و به دسـتور وی ریش همه‌ی آنهـا را تراشـیدند و در فاصـله‌ی درعیه تـا احسـا، آنها را وارونه سوار مرکبهایشان کردنـد به شهرشان برگرداندند» [۱۲] . می گویـد: بار دیگر شـنید که گروهی از کسانی که از او پیروی نمی کننـد، از راههای دور به زیارت و حـج می‌رونـد و گـذرشان از درعیه است، هنگـامی که گـذر آنهـا به درعیه افتاد، شـنیده شـد که شـیخ محمـد به یکی از اتباع خود می گفت: بگذاریـد مشـرکین (یعنی زائران قبر مطهر پیامبر صـلی الله علیه و اله) به راه مـدینه بروند و مسـلمانان (وهابیان) با ما بمانند [۱۳] . خلاصه هرکس به کتب محمد بن عبدالوهاب مراجعه کند، می‌بیند تمام مسـلمانان را اعم از سنی و شیعه، کافر و واجب القتل می‌دانست. او صـریحا گفته است: «یباح قتل المسـلمین الذین یعتقدون عقیدهٔ أهل السنهٔ و اغتنام اموالهم» [۱۴] «کشتن و غارت اموال مسلمانانی که به عقیده‌ی اهل سنت معتقدند، مباح است». پس همه‌ی جنگهائی که سعودیها در عصر او [صفحه ۶۸] و بعد از مرگ او به راه انداختند، همه به استناد فتوای وی بوده است.

دشمنان سرسخت دعوت محمد بن عبدالوهاب

نویسـنده‌ی وهابی معاصـر، «حسـین خلف الشـیخ خزعل» در کتاب خود زیر عنوان «دشمنان دعوت» نوشته است: «مبادی دعوت شیخ محمـد بن عبـدالوهاب مشایخ و بزرگان نجد را راضـی نکرد و آنها از تأثیر دعوت وی در میان توده‌ی مردم به وحشت افتادند و این یـک امر طـبیعی بـود که دعوت شـیخ زعـامت و ریـاست آنهـا را تهدیـد می کرد و از نفوذ و سـلطه‌ی آنهـا می کـاست و این بود که مخالفت خود را علنی ساختنـد و عـده‌ای از علمای قشـری نیز از آنها جانبـداری کردند و با دعوت وی به مقابله برخاسـتند و تبلیغات وسیع بر ضـد او راه انداختنـد و مردم را به جنـگ وی تحریـک نمودنـد. از مشـهورترین رجـال دینی که علنا با شـیخ و افکار وی به دشـمنی برخاسـتند و عقائـد او را به بـاد انتقـاد گفتنـد، عبارتنـد از: «ابن‌اسـماعیل، عبـدالله مویسـی قاضـی حرمه، ابن‌عبیـد، ابن‌یحیی، ابن‌سـحیم، مربـد بن احمد بن عمر التمیمی، محمد بن فیروز و پسـرش عبدالوهاب» و غیر اینها و در رأس آنها برادرش شـیخ سـلیمان قاضی حریملا قرار داشت. که وی اعلامیه‌ها و نامه‌های زیادی بر ضد او انتشار می‌داد و حتی افرادی را به شهرها و قبائل می‌فرستاد و سران آنهـا را از پیروی برادرش برحـذر می‌داشت. در سال ۱۱۶۷، یاران شـیخ محمـد در عیینه مردی را دسـتگیر کردند که از طرف شیخ سلیمان آمده بود و کتابی از وی به همراه داشت که آن را در محافل و خانه‌ها برای مردم می‌خواند که در آن از عقائد و افکار شیـخ محمـد به شـدت انتقاد شـده بود، یاران شـیخ او را گرفتند و کشـتند و کتابش را هم از بین بردند و این خبر در درعیه به شـیخ رسید، رساله‌ی مفصلی در رد برادرش به عیینه فرستاد [۱۵] .

پاورقی

[۱] عنوان المجد، ج ۱، ص ۱۴.

[۲] همان مدرک، ص ۱۵.

[۳] تاریخ الجزیرة العربیة، ص ۳۳۳.

[۴] الفجر الصادق، ص ۱۸ ، ۱۹ و ۱۷.

[۵] فتنة الوهابیة، ص ۷۷ و ۷۶ – ترجمه از وهابیان، ص ۱۲۸ – ۱۲۷.

[۶] التوسل بالنبی و جهلة الوهابیین، ص ۲۵۱.

[۷] الدرر السنیة، ص ۳۹.

[۸] همان مدرک، ص ۴۰.

[۹] همان کتاب، ص ۳۹.]

[۱۰] همان، ص ۴۰.

[۱۱] همان مدرک، ص ۴۰.

[۱۲] همان.

[۱۳] همان.

[۱۴] کشف الشبهات و الایمان و الاسلام، ص ۴۴، طبع استانبول، سال ۱۹۸۶ م.

[۱۵] تاریخ الجزیرة العربیة، فی عصر الشیخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۲۰۴ – ۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹